

سخن با چه کسانی؟ با کارگران جهان؟

یا اتحادیه های آلت دست سرمایه علیه کارگران!؟

جمشید کارگر

بیست چهارم شهریورماه هشتاد و شش

بتازگی سروده ای از م شاهد تحت عنوان به مناسبت ۱۸ مرداد روز همبستگی اتحادیه ها با کارگران ایران "ما با شما سخن خواهیم گفت" در سایت کمیته هماهنگی درج گردیده است.

جنبه انترناسیونالیستی مضمون این شعر کارگری در ارتباط با مناسبتی که سروده شده است، یعنی فراخوان ۱۸ مرداد (۹ آگوست) کنفدراسیون جهانی اتحادیه های آزاد کارگری (ITUC) و فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل (ITF)، بعنوان روز باصطلاح مبارزه جهانی برای آزادی محمود صالحی و منصور اسانلو!! حاوی آنچنان تناقضی می باشد که کارکردی جز دامن زدن و تشدید توهم در اذهان مخاطبین کارگر در ایران، نسبت به ماهیت بورژوایی و ضد کارگری این اتحادیه ها ندارد.

رفیق فرهاد رحیمی در باره علل و اهداف این فراخوان در رابطه با ماهیت ضد کارگری اتحادیه های فراخوان دهنده که در واقع تکرار نمایش کمدی فراخوان ۱۵ فوریه آنها بود، مقاله کاملی بزبان ساده و روشن در نقد و افشای آن از دیدگاه گرایش ضد سرمایه داری جنبش کارگری با عنوان "دستگیری فعالین کارگری، ترفندها، مبارزات و راهکارها" نوشته است که در سایت های کارگر پیشرو، سیمای سوسیالیسم، افق روشن و... موجود میباشد. همچنین در مورد ماهیت این تشکلات بورژوایی و در واقع اهرم های نظام سرمایه داری در جنبش کارگری، از سازمان جهانی کار گرفته تا کنفدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری و ... ، تا کنون باندازه کافی مقاله و مطلب از جانب فعالین کارگری گرایش ضد سرمایه داری نوشته شده است و در این راستا ماهیت و عملکرد طبقاتی و سیاسی آنها تاریخاً بطور مشروح بازگو گردیده است. بنابراین در اینجا نیازی به تکرار این مسایل و موضوعات نمی باشد.

اما از آنجاییکه این سروده با چنین عنوانی! از جانب احتمالاً عضوی از کمیته هماهنگی در سایت این گرایش درج شده، بعنوان یکی از فعالین گرایش ضد سرمایه داری جنبش کارگری، وظیفه خود می دانم که نکاتی را بطور فشرده با دوست عزیزم شاهد و دوستان فعال کارگری دیگر در میان بگذارم.

ما فعالین گرایش ضد سرمایه داری که اجباراً در این گونه کشورهای غربی از آمریکا و کانادا گرفته تا کشورهای اروپای غربی و شمالی ساکن هستیم و در این نقاط جهان توسط سرمایه استثمار می شویم، بسیار خوب و از نزدیک با ماهیت بورکراتیک و عملکرد ضد کارگری این نهاد ها که اغلب آنها تبدیل به کنسرن های سرمایه داری شده اند، آشنا هستیم.

ما در این سرزمین های تحت سلطه سرمایه که دارای این گونه اتحادیه ها هستند، شاهد کاهش مستمر کارگزارانشان از عضویت این اتحادیه های سرمایه سالار می باشیم. کارگرانی که اکثر آنان دارای دانش طبقاتی سیاسی کافی نیستند و

در روند کار و زندگی اشان به ماهیت این تشکلات ارتجاعی و ضد کارگری پی برده اند.

فراخوان ۱۸ مرداد (۹ آگوست)

فراخوان نمایشی و سترون ۱۸ مرداد (۹ آگوست) اتحادیه های فوق الذکر که موضوع محوری این بحث کوتاه می باشد، همانطور که رفیقمان فرهاد رحیمی در نوشته اش آورده، در ۳۰ کشور بوده است که با حسابی کاملاً عینی مجموعاً در تمام این ۳۰ کشور ۳۰۰ تا ۴۰۰ نفر را جهت تظاهرات مقابل سفارت های جمهوری اسلامی ایران و تسلیم نامه ای محترمانه به سفارت مزبور در اعتراض به دستگیری محمود صالحی و منصور اسانلو گرد آورد.

این افراد که در کانادا و هر کشور اروپایی ۵۰ تا ۱۰۰ و در تعدادی از کشورها اندکی بیش از ۱۰۰ نفر بودند، متشکل از روسای اتحادیه های فراخوان دهنده و بخشاً اعضا و هوا داران سازمان ها و گروه های چپ فرقه گرای بی ربط به طبقه کارگر و گرایش ضد سرمایه داری جنبش کارگری بودند و با اطمینان به شما دوست عزیزم شاهد باید بگویم متأسفانه اکثریت قریب باتفاق توده کارگران این ۳۰ کشور سرمایه داری بعلت ساختار بورکراتیک متناظر با ماهیت بورژوایی اتحادیه های فراخوان دهنده، اصلاً از موضوع فراخوان با خبر نبودند. این را نیز باید اضافه کنم که این توده کارگر که شما با آنان در سروده صمیمانه و کارگری اتان از کانال اتحادیه های سرمایه سالار سخن گفته اید، در مورد جنبش کارگری ایران اطلاعات چندانی ندارند و این واقعیت دردناک را ما ساکنین این کشورها که افرادی از طبقه کارگیشان هستیم، به تحقیق و بطور عینی پی برده و می دانیم.

در تشریح علل تاریخی سیاسی این پراکندگی و عدم پیوند انترناسیونالیستی جنبش بین المللی کارگری که تاریخاً یکی از عوامل عمده آن دقیقاً همین تسلط اتحادیه گرایی و سندیکالیسم در جنبش کارگری جهانی بوده است، مقاله و مطلب فراوان نوشته شده است و از آنجاییکه تشریح آنها در این نوشته نمی گنجد، رفقا را به خواندن آن مطالب رجوع می دهم. شرکت اعضا و هواداران جریانات چپ غیر کارگری در این گونه فراخوان ها و همچنین جار و جنجالی که سکت های چند نفره متبوع آنان در بزرگ نمایی این فراخوان های سترون و بی حاصل که وقوع آنها و اهدافشان در مقاله فرهاد رحیمی کاملاً توضیح داده شده است، به هر حال ناشی از گرایش سوسیال بورژوایی آنان می باشد. گرایشی که جز در حرف، عملاً و در پراتیک حقیر سیاسی اشان، ربطی به مبارزه طبقاتی توده کارگر و گرایش ضد سرمایه داری با افق لغو کار مزدی کارگران نداشته و ندارند. اما سوال من از شما رفیقم شاهد عزیز این است که شما و رفقای که خود را فعال کارگری گرایش ضد سرمایه داری جنبش طبقه امان می دانید و در همان حال باور هم دارید که فعالیت و مبارزه در جهت خود آگاهی و گسترش و سازماندهی سراسری ضد سرمایه داری طبقه کارگر، بدون مرز بندی قاطع طبقاتی با اتحادیه گرایی و سندیکالیسم از یک سوی و سکتاریسم و فرقه گرایی از سوی دیگر، امکان پذیر نیست و حامل تناقضی می باشد که اگر بطور نظری و عملی با آن برخورد نقادانه در جهت طردش نشود، در پروسه عینی فعالیت و مبارزه در جنبش کارگری به نفع گرایش سندیکالیسم و سکتاریسم حل خواهد شد، آری سوال من این است که چگونه بمناسبت این فراخوان مقطعی کاملاً نمایشی و ناشی از کشمکش بورژوازی آمریکا و غرب با بورژوازی ایران، از طرف اتحادیه های ماهیتاً سرمایه دارانه، در سروده

اتان آنرا تا حد گامی در جهت همبستگی انترناسیونالیستی ارتقا داده اید و در این زمینه دچار آن چنان تخیل انتزاعی ناشی از توهم نسبت به ماهیت این تشکلات شده اید که حس کرده اید از کانال این اتحادیه های اسباب دست بورژوازی امپریالیستی، با توده کارگران جهان سخن می گویند! یعنی این موانع اصلی همبستگی کارگران جهان را در تخیل اتان به بلند گویی جهت شرح مشکلات و معضلات دهشتبار مادی و اجتماعی کارگران ایران، برای کارگران جهان تبدیل کرده اید و باین ترتیب گیرم ناخواسته به توهم خوانندگان کارگر بی اطلاع از نقش بورژوازی و ضد کارگری این اتحادیه ها دامن زده اید و زمینه را برای گرایش اتحادیه گرایی و سندیکالیسم در جنبش کارگری به سهم خود هموار کرده اید.

شعر خوب کارگری شما با بار عاطفی انسانی مضمون آن می توانست با عنوانی مثلاً "ما با کارگران جهان سخن خواهیم گفت"، کارکردی دیگر گونه داشته باشد و به سهم خود در تقویت احساس انترناسیونالیستی مخاطب کارگر خود موثر واقع شود، که این امر نیز اساساً به نقد اتحادیه گرایی و سندیکالیسم از دیدگاه جنبشی گرایش ضد سرمایه داری از جانب شما و به این اعتبار توهم زدایی کامل از درک خویش نسبت به این اتحادیه های باصطلاح کارگری، بستگی داشته و دارد.

جمشید کارگر

۲۱ آگوست ۲۰۰۷

منبع: سایت سیمای سوسیالیسم